

امامت زن برای زن در نماز جماعت از منظر مذاهب فقهی

حسین رجبی*

چکیده

این مقاله عهده‌دار بررسی مسئله امامت زنان در نماز جماعت است. با وجود کثرت جمعیت زنان در جامعه و حضور جدی آنها در مراکز گوناگون آموزشی، پژوهشی و فرهنگی، پژوهش‌گران کمتر به این مسئله پرداخته‌اند و گاه فقط در حد یک استفتا و پاسخ به آن بسنده شده است. در این نوشتار با استفاده از منابع فقهی به تبیین اهمیت مسئله و آثار آن، همچنین دیدگاه مذاهب اسلامی و دلایل آنها می‌پردازیم تا روشن شود که آیا بانوان می‌توانند به طور مستقل نماز جماعت برگزار کنند یا خیر؟ در این نوشتار دیدگاه علمای مذاهب اسلامی، که در آن اختلاف است، بررسی می‌شود. در انتها این نظر تأیید می‌شود که اقتدای زن به زن، در صورت داشتن شرایط، جایز، بلکه افضل از فرادا خواندن نماز است.

کلیدواژه‌ها: امامت، نماز جماعت، زن، مذاهب فقهی، اقتدا.

* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب: najm113@yahoo.com

[دریافت مقاله: ۹۲/۶/۱۸؛ پذیرش: ۹۲/۸/۱۸]

مقدمه

بی‌تردید جماعت و اجتماع انسان‌ها نقش اساسی در پیشرفت فرد و جامعه دارد. زیرا در سایه جماعت است که از نیازها و دردهای فردی و اجتماعی، روحی و اخلاقی، شناخت حاصل می‌شود. همچنین در سایه اجتماع، می‌توان بسیاری از کمبودهای اقتصادی، سیاسی، روحی و اخلاقی را برطرف کرد. از این‌رو در روایت آمده است که: «یَدَاللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷)؛ دست خدا همراه جماعت است. همچنین در روایت‌های دیگر به اجتماع مسلمانان، به ویژه در امور عبادی همچون نماز جمعه و جماعت (طوسی، ۱۳۷۵: ۲۶۱/۳)، عید فطر و قربان (همان: ۳۱۵) و مراسم حج (همان: ۴/۵، ۵) توصیه شده است.

روشن است که دستورهای شرعی در عقاید، احکام و اخلاق، که برای سعادت و دستیابی انسان به کمال فرستاده شده، اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد، بلکه تمام انسان‌ها را در بر می‌گیرد. از این‌رو متعلق دستورهای دین، انسان مکلف است و هیچ ویژگی دیگری، نظیر جنسیت، سن، رنگ پوست و ... در آن مداخلت ندارد، مگر موارد خاصی که در آنها دلیلی وجود داشته باشد. یکی از دستورهایی که دایره آن شمول دارد انجام عبادات است، خواه عبادات واجب باشد یا مستحب. بنابراین، احکام و دستورهای فقهی که در قرآن، مجموعه روایات و کتب حدیثی، مانند کتب اربعه (همان: ۵۰-۵۲، ۵۶-۵۸) آمده است مرد و زن را در بر می‌گیرد؛ اگر هم در مواردی تعبیر مرد یا زن به کار رفته است، نظیر اینکه اگر مردی در نماز شک کند یا مردی در حال روزه سر زیر آب فرو ببرد و امثال آن، هرگز فقیهان موضوعیت داشتن مرد و اختصاص داشتن این احکام به مردها را استفاده نکرده‌اند، بلکه آن را مشیر و از باب مثال دانسته‌اند.

یکی از عبادات مستحب که اختصاص به مردها ندارد شرکت در نماز جماعت و اقامه آن است. گرچه امام جماعت بودن زن برای زن تاکنون در عمل مورد غفلت واقع شده، اما اقامه جماعت زن‌ها در عصر کنونی با ویژگی‌هایی که دارد می‌تواند نقش و آثار بسیار مثبتی داشته باشد. حضور جدی خانم‌ها در جامعه و نقش آنها در رشد و کمال معنوی اجتماع، ضرورت حضور آنها در نماز جماعت به ویژه اقامه جماعت به صورت مستقل و طرح نیازهای روحی و اخلاقی زن را در عصر کنونی، می‌طلبد. در

این نوشتار می‌کوشیم با استفاده از قرآن، روایات و گفتار فقهای مذاهب اسلامی به تبیین حکم مسئله فوق‌پردازیم. پیش از ورود به اصل بحث، بیان چند نکته لازم است:

۱. جماعت، عبارت است از گروهی که با یک هدف در کنار هم و با یکدیگرند و در اصطلاح، ویژگی و ارتباطی است که از اجتماع امام و مأموم پدید می‌آید. راغب می‌نویسد: «الجمع: ضم الشیء بتقریب بعضه من بعض یقال جمعته فاجتمع» (اصفهانی، بی‌تا: ۲۴)؛ جمع و جماعت عبارت است از ضمیمه و نزدیک کردن برخی از چیزی به برخی دیگر، گفته می‌شود جمع‌آوری و ضمیمه کردن چیزی را، در کنار یکدیگر قرار گرفتند...؛ الجماعة فی اللغة طائفة من الناس، یجمعها غرض واحد و یطلق علی القلیل و الكثير و شرعاً: رابطه بین الامام و المأموم (سالم العمرانی الشافعی، بی‌تا: ۳۶۱/۲).

۲. امامت: به کسی که مقتدا قرار گیرد و در کارهای نیک و بد از او پیروی شود امام گفته می‌شود. راغب می‌نویسد: «الامام المؤتم به انسانا کأن یقتدی بقوله او فعله او کتابا او غیر ذالک محققا کان او مبطلا» (اصفهانی، بی‌تا: ۲۴).

البته امامت بر دو نوع است: امامت کبری و صغری. امامت کبری عبارت است از ریاست عامه در دین و دنیا به نیابت از پیامبر اکرم، و امامت صغری عبارت است از امامت در نماز جماعت (سالم العمرانی الشافعی، بی‌تا: ۳۶۱/۲).

۳. مذهب عبارت است از روش فهم دین و احکام که به وسیله علمای مذاهب تبیین و از آن دفاع شده و روش مخالف را باطل دانسته‌اند. روش‌های دستیابی به احکام را مذاهب فقهی و روش‌های تبیین عقاید را مذاهب کلامی و اعتقادی می‌نامند. مقصود از مذاهب در این نوشتار مذهب امامیه و مذاهب فقهی حنفیه، مالکیه، شافعیه و حنبلیه است.

۴. اسلام بر حیات طیبه و پاک برای زن و مرد تأکید دارد. در قرآن کریم آمده است: «من عمل صالحا من ذکر او انثی فلنجینها حیاة طیبه» (نحل: ۹۷)؛ کرامت و آزادی در چارچوب دستورهای اسلامی برای زن و مرد به صورت مساوی قرار داده شده است. از نگاه اسلام، زن باید در راستای کمال جامعه، به ویژه تربیت فرزندان شایسته و خوب تلاش کند؛ مردان نابغه و اصلاح‌گر در تاریخ از دامن زن‌ها تربیت شده‌اند. تحصیل علم، اخلاق، ایمان و خردورزی از ویژگی‌های زن مسلمان است. از نگاه اسلام، تنها زن برای مرد آفریده نشده و ابزار دست او نیست، بلکه هر دو برای یکدیگر و مکمل هم

هستند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷)؛ زن‌ها پوشش مردان و مردان پوشش زنان هستند.

۱. اهمیت و جایگاه نماز جماعت در فقه مذاهب

در فقه اسلامی، که بیانگر دستورهای شرع مقدس است، درباره اقامه نمازهای واجب همراه جماعت توصیه‌های اکیدی وجود دارد، به گونه‌ای که ترک آن مانند ترک واجبات شمرده شده است؛ به ویژه برای نمازهای صبح، مغرب و عشا و نیز برای کسانی که همسایه مسجد هستند و صدای اذان را می‌شنوند. رسول خدا (ص) درباره اهمیت جماعت فرمود: «یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادا در خانه است. پرسیدند: آیا یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز» (نوری، ۱۴۰۸: ۴۸۸/۱).

سید یزدی می‌نویسد رها کردن نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی و یا به خاطر سبک شمردن جایز نیست. در روایت آمده است کسی که نمازش را بدون علت در مسجد نخواند نماز او نماز نیست، و کسی که نمازش را در خانه بخواند و یا از جماعت‌های ما دوری کند غیبت ندارد. پس ایمان شخص اقتضا می‌کند که نماز جماعت را بی‌عذر، به ویژه به طور مستمر، رها نکند (یزدی، ۱۳۸۵: ۷۶۲/۱). در هر صورت روایت صحیح وارد شده که ارزش نماز جماعت نسبت به فرادا ۲۴ درجه است (همان).

در کتاب‌های فقهی مذاهب اهل سنت نیز به اهمیت و جایگاه نماز جماعت پرداخته‌اند: برخی از آنان شرکت را واجب و برخی دیگر سنت مؤکد دانسته‌اند (ابن‌قدامه، ۱۴۰۴: ۳/۲). در حاشیه ابن‌عابدین آمده است: «نماز جماعت سنت مؤکد است» (ابن‌عابدین، ۱۴۲۸: ۳۴۰/۲).

نماز جماعت ویژگی‌ها و آثار فردی و اجتماعی فراوانی دارد. یعنی به جز پاداش معنوی، فواید سیاسی و اجتماعی نیز بر آن مترتب است. از این‌رو شایسته است هر مکلفی، اعم از زن و مرد، برای دستیابی به آثار سازنده اقامه نماز جماعت اقدام کند.

۲. شرایط امام جماعت از دیدگاه فقیهان شیعه

قاضی ابن‌براج در جواهر می‌نویسد:

شرایط امام جماعت عبارت است از: حریت، بلوغ، کمال عقل، مورد اطمینان بودن در دین و تقوا ... امامت مخالف مذهب حق جایز نیست، امامت کسی که تظاهر به ولایت امیر مؤمنان می‌کند و از دشمنان آن حضرت برائت نمی‌جوید، متولد از زنا، فاسق، کسی که حد خورده است، نابینا در صورتی که کسی نباشد او را کمک کند، عاق والدین و کسی که قطع رحم کرده باشد جایز نیست (مروارید، ۱۴۱۰: ۴۰۹).

دیگر فقیهان شیعی نیز امور فوق را شرط دانسته‌اند که برای پرهیز از طولانی شدن بحث، تنها به گفتار موسوی خمینی اکتفا می‌کنیم که می‌نویسد:

شرایط امام جماعت عبارت است از: ایمان، طهارت مولد، عقل، بلوغ در صورتی که مأموم بالغ باشد بلکه امامت کسی که به حد بلوغ نرسیده برای امثال خودش اشکال دارد و عدم جواز آن به واقع نزدیک می‌باشد، و مذکر بودن زمانی که مأموم مرد باشد بلکه حتی اگر مأموم زن باشد احتیاط در این است که امام جماعت مرد باشد. همچنین در امام جماعت عدالت شرط است. پس اقتدا به فاسق و کسی که ناشناخته است جایز نمی‌باشد ... و جایز نیست اقتدای کسی که ایستاده نماز می‌خواند به کسی که نشسته می‌خواند و همچنین نشسته به کسی که خوابیده نماز می‌خواند، و اقتدای کسی که قرائتش صحیح است به کسی که قرائتش صحیح نیست و نمی‌تواند حروف را از منخرج ادا کند یا تبدیل به غیرحرف بکند، حتی در اعراب حروف اشتباه می‌کند، گرچه توانایی تصحیح را ندارد، جایز نمی‌باشد (موسوی خمینی، ۱۴۰۶: ۲۷۴/۱).

تا اینجا روشن شد چه شرایطی به طور عموم برای امام جماعت از دیدگاه شیعه لازم است. در ادامه دیدگاه فقهای مذاهب اهل سنت را در این زمینه به اختصار بیان می‌کنیم.

۳. شرایط از دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت

احمد حنبل شرایطی را برای امام جماعت ذکر کرده که عبارت است از: اسلام،

فاسق نبودن، (البته احمد بن حنبل در *اصول السنه* می‌گوید: خواندن نماز خلف فاسق جایز است و اعاده ندارد) عقل، بلوغ، کسی که قرائت او صحیح نیست نمی‌تواند امام جماعت باشد، امامت زن برای مردان و خنثا صحیح نیست، باید از حدث و خبث پاک باشد، سلامت از عذر نظیر: کنترل نداشتن ادرار و مانند آن، عاجز نبودن از قیام در رکوع (حلبی، بی‌تا: ۲۵۴/۱).

امام شافعی معتقد است اقتدای به صبی نابالغ، فاسق، اهل بدعت و کسی که پدرش ناشناخته است (ولد زنا) مکروه است. زیرا امام جماعت از موضع و جایگاه بلندی برخوردار است. در عین حال نماز مجزی است و نیاز به اعاده ندارد.

در کتاب *البیان فی مذهب الامام الشافعی* دیدگاه برخی از مذاهب درباره شرایط امام ذکر شده است. نویسنده این کتاب، پس از بیان شرط بلوغ و اینکه امامت صبی ممیز برای افراد بالغ جایز نیست، می‌نویسد مالک گفته است که امامت کودک در نماز نافله جایز است، ولی در واجب جایز نیست، اما در خصوص ابوحنیفه دو نظر از او نقل شده است:

۱. نمی‌تواند امامت کند زیرا کودک نماز ندارد و اگر دستور داده شده برای تعلیم

و تمرین است. در این صورت نماز او شبیه نماز است نه نماز.

۲. نماز صبی صحیح است، ولی نماز مستحبی به حساب می‌آید. بر این

اساس، امامت او در نماز مستحبی جایز است (سالم العمرانی الشافعی، بی‌تا:

۳۹۱/۲).

در کتاب مذکور از شیخ ابوحامد نقل شده است که مخالفان را به سه دسته تقسیم

کرده، اقتدای به آنها در نماز را توضیح می‌دهد:

۱. گروهی که آنان را خطاکار و اهل اشتباه می‌دانیم، ولی تکفیر و تفسیق نمی‌کنیم؛

مانند اصحاب ابي حنفيه، مالک، احمد و کسانی که شبیه آنها هستند. اقتدای به آنها در صورتی صحیح است که یکی از واجبات نماز و طهارت را، نظیر رعایت ترتیب در طهارت، نیت، قرائت بسم الله الرحمن الرحيم یا غیر آن، ترک نکرده باشند. در غیر این صورت نماز جایز نیست.

۲. گروه دوم کسانی هستند که آنان را به دلیل خروج از حق، تکفیر می‌کنیم، نظیر

جهمیه، قدریه و کسانی که حضرت علی (ع) را پیامبر می‌دانند.

۳. گروه سوم اهل فسق هستند؛ یعنی کسانی که سلف را دشنام داده و تکفیر می‌کنند. همچنین شارب‌الخمیر، زناکار و غاصب اموال که در این صورت اقتدای به آنها مکروه است و اگر نماز خوانده شود صحیح است. اما مالک می‌گوید:

کسی که بدون تأویل فاسق شود نظیر: شراب‌خوار و زناکار، اقتدای به او صحیح نیست، ولی کسی که فسق او در اثر تأویل و اجتهاد باشد، نظیر کسی که به پیشینیان دشنام می‌دهد و یا آنان را تکفیر می‌کند، اقتدای به او صحیح است، به دلیل روایتی که از پیامبر اکرم نقل شده: نماز بخوانید پشت سر فرد نیکوکار و فاسق؛ و همچنین روایتی که عبدالله عمر و انس بن مالک به حجاج بن یوسف ثقفی اقتدا کردند (بیهقی، ۱۴۲۴: ۱۲۱/۳).

نویسنده *البیان* درباره امامت زن می‌نویسد:

امامت زن برای مرد و برای خنثا جایز نیست و این نظر مورد اتفاق فقها است، جز طبری و مزنی که امامت زن را برای مرد در نماز تراویح جایز می‌دانند. امامت مجنون در نماز صحیح نیست، زیرا از نمازگزاران به شمار نمی‌آید و امامت شخص جنب نیز صحیح نمی‌باشد. ولی امامت کسی که تیمم گرفته جایز است در صورتی که علی بن ابی طالب (رض) جایز نمی‌دانند، به دلیل روایتی که از عمرو عاص درباره جواز اقتدا آمده است (سالم العمرانی الشافعی، بی تا: ۳۹۸/۲).

همچنین درباره اقتدای زن پاک به مستحاضه می‌نویسد:

آیا زنی که پاک است می‌تواند به مستحاضه اقتدا کند. دو نظر است:

۱. صحیح است، چنان‌که امامت شخصی که تیمم گرفته صحیح می‌باشد.

۲. صحیح نیست، زیرا زن مستحاضه از نجاست پاک نمی‌باشد (همان).

نجاح حلبی درباره دیدگاه حنفیه در باب شرایط امام جماعت، اسلام، بلوغ، عقل، ذکورت، قرائت صحیح، سالم بودن از اعدا، طاهر بودن و ساتر عورت داشتن را در زمره شرایط می‌شمرد (حلبی، بی تا: ۱۰۹/۱).

۴. امام جماعت و مسئله عدالت

یکی از شرایط امام جماعت عدالت است. موسوی خمینی، درباره حقیقت عدالت می‌گوید: «عدالت، یک حالت درونی است که انسان را از ارتکاب گناهان کبیره، و تکرار و اصرار نسبت به گناهان صغیره باز دارد» (موسوی خمینی، ۱۴۰۶: ۱/۲۷۴). پاکی، تقوا، و دوری از گناه، از نشانه‌های عدالت است. بنا به اهمیت این صفت، در نظام اسلامی عدالت یکی از امتیازها به حساب آمده، در فقه اسلامی و قانون اساسی، داشتن آن برای مسئولان بلندپایه و مشاغل حساس، شرط است و کارهای مهم کشور و امور مردم باید به دست افراد عادل انجام گیرد.

امام باقر (ع) درباره عدالت زنان می‌فرماید: «همین که اهل حجاب و از خانواده‌های محترم بود و از شوهر خویش اطاعت می‌کرد و از کارهای ناپسند و جلوه‌گری‌های ناروا پرهیز داشت، عادل است» (همان: ۱۳). در بعضی روایات، «فاسق» را کسانی می‌داند که به خاطر گناهان زشت علنی، در جامعه شلاق خورده، یا میان مردم مشهور به خلاف و بدکاری یا مورد سوءظن باشند (حر عاملی، ۱۳۹۶: ۱۸/۲۹۵).

البته معنای عدالت در یک نفر، آن نیست که در طول عمر، مرتکب هیچ گناهی نشده باشد، چراکه این ویژگی، تنها در انبیا و اولیای معصوم است، ولی همین که در ظاهر، از او گناه بزرگی ندیده باشیم و کسانی که با او معاشرت دارند تصدیق کنند، کافی است.

آنچه از شرایط درباره امام جماعت بیان شد اختصاص به مردان ندارد و شامل زنان نیز می‌شود. از این رو اصل مشارکت زن و مرد در احکام در اینجا جاری می‌شود، جز در مورد اقتدای مرد به زن که فقهای اسلامی آن را انکار کرده‌اند؛ هرچند برخی از علما اقتدای زن به زن را نیز صحیح نمی‌دانند.

۵. دیدگاه فقیهان شیعه درباره اقتدای زن به زن

آیا خانم‌ها (در صورت دارا بودن شرایط) می‌توانند امام جماعت باشند؟ فقیهان شیعه معتقدند یکی از شرایط امام جماعت (در صورتی که مأموم، مرد یا مرد و زن باشند) به اتفاق علما مرد بودن است و اقتدای مرد به زن جایز نیست. حلی در *المعتبر*

اظهار می‌کند که عدم جواز اقتدای مرد به زن مورد اتفاق است. زیرا پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَخْرَوْهِنَّ مِنْ حَيْثُ أَخَّرَهُنَّ اللَّهُ» و لَأَنَّ الْمَرْأَةَ مَأْمُورَةٌ بِالْحَيَاءِ وَالِاسْتِتَارِ، وَالْإِمَامَةُ لِلرِّجَالِ تَقْتَضِي الظُّهُورَ وَالِاسْتِشْهَادَ (المحقق الحلی، ۱۳۶۴: ۴۳۸/۲).

اما در صورتی که مأموم زن باشد، اختلاف است:

۱. مشهور، بلکه بیشتر فقیهان، قائل به جواز امامت زنان برای زنان هستند.

۲. گروهی از علما اقتدای زن به زن را جایز نمی‌دانند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۵/۱۴).

کسانی که قائل به جواز امامت هستند به چند گروه تقسیم می‌شوند: برخی معتقدند امامت خانم‌ها برای خانم‌ها کراهت دارد؛ اما برخی دیگر تفصیل داده، معتقدند در نمازهای مستحبی، مثل نماز عید قربان، عید فطر و نماز استسقا، که جماعت آن مستحب است، زن می‌تواند امام باشد اما در نمازهای واجب جایز نیست.

دسته سومی از علما گفته‌اند در نمازهایی که به جماعت برگزار کردن آن استحباب دارد، مثل نمازهای واجب یومیه، زن می‌تواند امام باشد، اما نمازهایی مثل نماز جمعه، که جماعت آن واجب است، جایز نیست. این نظر را علمایی نظیر بحرانی (صاحب *حداثق الناضرة*) و میرزای قمی در *غنائم الأيام* بیان کرده‌اند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

بنابراین در مسئله اقتدای زن به زن چند قول است:

۱. امامت خانم‌ها در تمام نمازها جایز است، خواه واجب یا مستحب باشد (البته

گروهی از علما مکروه دانسته‌اند).

۲. در تمام نمازها جایز نیست.

۳. تفصیل بین نماز واجب و مستحب قائل شده‌اند و در نمازهای مستحب جایز

دانسته‌اند.

اختلاف در حکم این مسئله به خاطر اختلاف در روایات است. سه دسته روایت

وجود دارد:

۱. روایاتی که به صورت مطلق دلالت بر جواز اقتدا در نمازهای مستحب و واجب

دارد:

- شیخ طوسی در *تهذیب از سماعة بن مهران* روایت می‌کند که از امام صادق (ع)

درباره امامت زن‌ها پرسیدم، فرمود: اشکالی ندارد (طوسی، بی‌تا: ۳۱/۳).

- شیخ طوسی به سند خود از امام صادق (ع) (در حدیثی) درباره امامت زن‌ها فرمود: اشکالی ندارد ولی در هنگام جماعت، در وسط صف بایستد و جلوتر از مأمومین قرار نگیرد (حر عاملی، ۱۳۹۶: ۴۰۸/۵).

این حدیث افزون بر جواز اقتدا، چگونگی ایستادن را نیز بیان می‌کند. به این نحو که در وسط صف بایستد و مقلّم نباشد.

- در حدیث دیگری کلینی به سند خود از امام باقر (ع) روایت می‌کند که اگر مردی برای امامت خانم‌ها نبود، یکی از خانم‌ها جلو و در وسط بایستد و سایر خانم‌ها در دست راست و چپ او قرار گیرند، به گونه‌ای که امام در وسط باشد (همان).

- شیخ صدوق به سند خود از حسن بن زیاد صیقل روایت می‌کند که از امام صادق (ع) درباره کیفیت نماز خواندن زن‌ها بر اموات و همچنین درباره نمازهای واجب پرسیده شد که آیا زن‌ها می‌توانند امام جماعت خودشان باشند، حضرت فرمود: آری می‌توانند (همان: ۴۰۶). این روایت، جواز امامت را در نماز واجب ثابت می‌کند.

- شیخ طوسی، از امام باقر (ع) درباره امامت زن برای زن‌ها و کیفیت و اندازه صدای آنها در قرائت و تکبیر پرسیدم، فرمود: به اندازه‌ای که بشنود (همان: ۴۰۷). این روایت به صورت مطلق امامت را برای زن‌ها اثبات می‌کند. زیرا پرسش از کیفیت و اندازه صدا در قرائت پس از جواز امامت آنان است. سند آن تمام است (مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶: ۵۰۴/۵).

دسته دوم دلالت بر عدم جواز می‌کند:

- شیخ صدوق از امام جعفر صادق (ع) از پدران آن حضرت (ع) روایت می‌کند که در وصیت پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) آمده است: نماز جماعت و جمعه بر زن‌ها نیست (همان). این روایت را زراره نیز از امام باقر (ع) نقل کرده است.

روایت مزبور دلالت بر عدم جواز نماز جمعه و جماعت زن ندارد، بلکه وجوب جمعه و استحباب مؤکد را از جماعت برای زن‌ها نفی کرده است. روشن است که نفی وجوب و نفی استحباب مؤکد دلالتی بر نفی جواز و ترتب ثواب و آثار دیگر ندارد. از سوی دیگر، روایاتی وجود دارد که مشروعیت نماز جمعه را ثابت می‌کند. پس عدم دلالت این روایت بر منع با توجه به جمع بین این دو دسته از روایات است.

۲. دسته سوم روایاتی که دلالت بر تفصیل می‌کند:

در برخی روایات بین واجب و مستحب و در برخی بین نماز میت و غیرمیت تفصیل داده شده است:

- شیخ صدوق در تفصیل بین نماز میت و غیرمیت به سند خود از زراره از امام باقر (ع) روایت می‌کند که عرض کردم زن می‌تواند امام زن‌ها باشد؟ فرمود: جایز نیست مگر بر میت، البته در صورتی که فردی نباشد که از او سزاوارتر در نماز خواندن باشد، در این صورت امام همراه زن‌ها در وسط صف می‌ایستد (همان: ۴۰۶).
این روایت دلالت بر تفصیل بین نماز میت و غیر آن دارد و شیخ طوسی نیز آن را از زراره نقل کرده است.

- شیخ صدوق در روایت دیگری در تفصیل بین نماز واجب و مستحب با سند خود از هشام بن سالم روایت می‌کند که از امام صادق (ع) درباره امامت زن برای زن‌ها پرسیدم، فرمود: در نمازهای مستحبی امامت کند اما در نمازهای واجب امامت نکند و در نمازهای مستحبی در وسط صف قرار گیرد و جلوتر از زن‌های دیگر نایستد (همان).
این روایت از نظر سند صحیح است (مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ الف: ۵۳۹/۲) و دلالت آن بر تفصیل بین نافله و واجب تمام است.

۶. دیدگاه فقیهان شیعه درباره سه دسته از روایات

با توجه به اینکه درباره اقتدای زن به زن سه دسته روایت وجود دارد آیا این روایات با یکدیگر تعارض دارند؟ در صورت تعارض چگونه قابل جمع‌اند؟ در این باره نخست نظریات برخی از فقیهان شیعه را بیان می‌کنیم و سپس به جمع‌بندی می‌پردازیم:

۱. برخی از فقیهان درباره روایاتی که دلالت بر عدم جواز دارند (دسته دوم) می‌گویند: «احتمال دارد که مقصود زنانی است که به احکام شرعی و واجبات آشنا نیستند. از این رو این زن‌ها نمی‌توانند امام برای غیر خود باشند» (المحقق الحلی، ۱۳۶۴: ۳۶۸/۱). با بررسی این روایات روشن می‌شود که این‌گونه روایات دلالت بر عدم جواز ندارد، بلکه حد دلالت، همان‌گونه که بیان شد، عدم وجوب نماز جمعه و جماعت است.
۲. محقق بحرانی پس از بیان شرط ذکوریت در امامت و اینکه امامت زن و ختثا صحیح نیست تصریح می‌کند که:

اختلاف علما در امامت زن برای زن در نمازهای واجب است و اما در نمازهای مستحبی که جماعت در آن جایز است. در این صورت جواز جماعت مورد اتفاق می‌باشد و اختلاف در نماز واجب است.

وی ادامه می‌دهد:

آنچه از روایاتی که در تفصیل بین نمازهای نافله و مکتوبه به ذهن خطور می‌کند این است که مقصود از نافله و مکتوبه، جماعت مستحبی و جماعت واجب است نه نماز مستحبی و واجب، زیرا مستحب و واجب در روایات صفت جماعت است نه صفت نماز. بنابراین مقصود از روایات، جماعت مستحبی است، نظیر استحباب جماعت در نمازهای پنج‌گانه و مقصود از مکتوبه جماعت واجب است، نظیر نماز جمعه و عیدین که امامت زن در این‌گونه نمازها به اتفاق جایز نمی‌باشد (بحرانی، ۱۴۰۵: ۶/۱۴).

بر این اساس، مجموعه روایات سه‌گانه قابل جمع است.

۴. محقق اردبیلی می‌نویسد:

امکان دارد روایاتی را که بین واجب و مستحب تفصیل داده است بر این معنا توجیه و تفسیر کرد که در نمازهای مستحبی و نماز جنازه اقتدای زن به زن کراهت ندارد و در نمازهای واجب کراهت دارد. این معنا با شهرت بین علما بلکه به ادعای علامه حلی به اجماع تأیید می‌شود. همچنین روایاتی که دلالت بر اقامه جماعت دارد اقتدای زن به زن را شامل می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۵۳/۲).

۵. میرزای قمی پس از بیان دیدگاه‌ها و روایات مختلف می‌نویسد:

نظر قوی این است که امامت زن برای زن در نمازهای واجب جایز است، اگرچه احتیاط در ترک آن می‌باشد، به ویژه در صورتی که امام جماعت مرد وجود داشته باشد (قمی، ۱۴۱۸: ۱۱۹/۳).

۶. نجفی معتقد است:

در جواز امامت زن برای زن در نمازهای واجب و مستحب جای تردیدی نیست، به گونه‌ای که گروهی از علما نظیر شیخ طوسی در خلاف، علامه در تذکره و ابن زهره در کتاب غنیه و محقق در معتبر ادعای اجماع کرده‌اند. زیرا قاعده اشتراک احکام مرد و زن را در بر می‌گیرد و آنچه در عدم جواز اقتدا گفته شده است - نظیر ظهور روایات و دلالت آن بر اقتدای به مرد، همچنین وجود روایات از طریق اهل سنت یا اینکه در هیچ عصر و نسلی در گذشته چنین جماعت‌هایی مرسوم و شناخته شده نمی‌باشد و اگر در وجود داشت در تاریخ نقل می‌شد - نمی‌تواند مانع جواز اقتدای به زن شود. همچنین نصوص و روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده دلالت بر جواز دارد و این روایات از معارض سالم است (نجفی، بی تا: ۱۳/۱۳).

۷. خوئی در آغاز بحث، به محل نزاع در مسئله می‌پردازد و می‌نویسد:

هیچ اختلافی در اقتدای زن به زن در نماز میت نیست. زیرا افزون بر اینکه این نماز در حقیقت ذکر تسبیح و تکبیر و تهلیل است، روایاتی بر جواز اقتدای زن به زن دلالت دارد. از این رو محل نزاع سایر نمازهای واجب و مستحبی است که جماعت آن مشروع می‌باشد، مثل نماز باران. البته نظر مشهور بر جواز اقتدای زن به زن در نماز واجب می‌باشد ولی با کراهت. بنابراین، محل نزاع نمازهای واجب است. اما نمازهای مستحب در صورتی که مشروعیت جماعت آن ثابت شده باشد مورد اتفاق است (خوئی، ۱۳۷۰، ۳/۴).

خوئی روایاتی را که در این مسئله نقل شده سه قسمت کرده است:

۱. یک دسته بدون تفصیل بین نماز واجب و مستحب، که دلالت بر جواز اقتدای زن به زن دارد.
۲. دسته دیگر فقط دلالت بر جواز اقتدا در نماز جنازه دارد.
۳. دسته سوم بین واجب و مستحب تفصیل قائل شده است.

سپس سه نظر را در جمع این روایات بیان می‌کند:

۱. یک نظر این است که با توجه به مطلق بودن دسته اول و دوم، هر دو دسته به وسیله دسته سوم مقید می‌شود. از این‌رو دسته اول، که به صورت مطلق دلالت بر جواز دارد، مقید به نماز مستحب می‌شود و دسته دوم نیز، که دلالت بر عدم جواز دارد مقید به نماز واجب می‌شود. بنابراین، دسته سوم شاهد بر این جمع است. البته این احتمال در صورتی صحیح است که مانع خارجی وجود نداشته باشد، مثل اینکه اقامه جماعت برای نمازهای مستحبی بدعت است. از این‌رو منحصر کردن روایات جواز بر مورد نماز باران، که جماعت آن مشروع است، تفسیر به شاذ و ندرت می‌شود بدین جهت لغویت لازم می‌آید.

۲. صورت دوم این است که نهی در روایات واجب حمل بر کراهت می‌شود. البته این احتمال در صورتی صحیح است که احتمال نخست امکان نداشته باشد، در غیر این صورت احتمال نخست مقدم می‌شود، از این وجه جمع تعبیر به جمع بین نص و ظاهر می‌شود.

۳. صورت سوم احتمالی است که بحرانی بیان کرد. خوبی می‌گوید:

تفسیری که صاحب *حدائق* از روایات بیان کرده است قابل قبول نمی‌باشد. زیرا مخالف ظاهر روایات است و ظاهر آن دلالت بر نماز واجب و مستحب دارد نه بر جماعت واجب و مستحب. و از سویی تفسیر روایاتی که بر جواز امامت زن به صورت مطلق دلالت دارد، به نماز مستحبی تمام نیست. زیرا تفسیر و توجیه به نماز مستحبی که مصداقی جز نماز باران و یا اعاده نماز فرادا با جماعت، ندارد حمل بر مصداق نادر است. از این‌رو امکان ندارد روایات را بر فرد نادر توجیه و تفسیر کرد. بنابراین، بهترین تفسیر معنای نخست است، ولی با توجه به اینکه صورت نخست مانع حمل بر فرد نادر را دارد، بدین جهت صورت دوم متعین و قطعی می‌شود که عبارت است از جواز امامت زن به زن، اما ثواب آن از جماعتی که مرد امامت کند کمتر است و از نماز تنهایی و فرادا خواندن بهتر می‌باشد که در اصطلاح فقهی از آن به کراهت یاد می‌شود (همان: ۶۰۳/۵).

۷. دیدگاه فقیهان مذاهب اهل سنت درباره اقتدای زن به زن

دیدگاه فقیهان اهل سنت درباره اقتدای زن به زن اختلافی است. شافعیه و حنبلیه

نظریه جواز اقتدا را پذیرفته‌اند. از نظر حنفی‌ها، جماعت برگزار کردن خانم‌ها به تنهایی و بدون امامت مرد مکروه تحریمی است.^۱ مالکی‌ها نیز جایز نمی‌دانند. برای آشنایی بیشتر برخی از این دیدگاه‌ها را بیان می‌کنیم:

۱. وهبه زحیلی نظریه حنفی‌ها را چنین نقل می‌کند: «یکره تحریمه جماعه النساء وحدهن»؛ نماز جماعت زن‌ها به تنهایی و بدون مرد کراهت تحریمی دارد، یعنی حرام است (زحیلی، ۱۴۳۱: ۱۳۹/۲).

۲. در *الفتاوی الهندیه*، که بیانگر نظر مذهب حنفی است، آمده است:

اقتدای زن به زن در نمازهای واجب و مستحب مکروه است مگر در نماز جنازه، چنان‌که در نهاییه آمده است. پس اگر جماعت برقرار کردند، امام جماعت در وسط بایستد. گرچه با ایستادن در وسط کراهت باقی است، و اگر جلوتر از بقیه بایستد نماز آنان باطل نمی‌شود. در هر صورت نماز فرادا برای زن بهتر است، چنان‌که در کتاب خلاصه آمده است (نظام الدین و جماعه من العلماء، ۱۴۲۳: ۱۰۹/۱).

۳. امام شافعی می‌گوید:

زن‌ها در نمازهای واجب و غیرواجب امامت می‌کنند و نحوه امامت آنان به این صورت است که در وسط صف بایستند و اگر زن‌های زیادی همراه امام جماعت بودند، صف دوم تشکیل بدهند. همچنین اگر صفوف دیگر تشکیل شود ... امام جماعت زن صدای خود را در تکبیر و ذکر می‌کند که در نماز بلند خوانده می‌شود خواه قرآن باشد یا غیرقرآن، بلند نکند (شافعی، بی‌تا: ۱۶۴/۱).

۴. ابن رشد می‌نویسد:

در امامت زن‌ها اختلاف است، بیشتر فقها امامت زن‌ها را برای مردان جایز نمی‌دانند، همچنین در امامت زن برای زن اختلاف شده است، شافعیه جایز دانسته‌اند و مالکیه جایز نمی‌دانند، ولی ابو‌ثور و طبری مخالفت کرده و امامت زن را به طور مطلق جایز دانسته‌اند (ابن‌رشد، ۱۳۹۵: ۸۱۱/۱).

۵. الموسوعه الفقهيّة یکی از شرایط امام جماعت را ذکورت بیان کرده است. در این کتاب آمده است: «امامت زن برای زن نزد جمهور علما جایز است و به روایاتی استدلال کرده‌اند» (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۴: ۶/۲۰۴).

۶. در فقه العبادات نیز درباره نظر مالکیه آمده است:

امامت زن صحیح نیست خواه نماز مستحبی باشد یا واجب و خواه افرادی که اقتدا کرده‌اند مرد باشند یا زن، چنان‌که امامت خنثا نیز جایز نیست (حلبی، بی‌تا: ۱۶۸).

۸. دلیل نظریه جواز اقتدای زن به زن در فقه اهل سنت

فقهای شافعی، حنفی و حنبلی روایاتی را در لابه‌لای بیان مسئله اقتدای زن به زن مورد استناد قرار داده‌اند که در اینجا به طور جداگانه نقل می‌کنیم:

- شافعی از سفیان از عمار دهنی روایت کرده است که عمار از یکی از زن‌های اقوام خود به نام حجیره نقل کرد و گفت: «انّ امّ سلمه أمّتهنّ فقامت وسطاً»؛ ام‌سلمه امامت کرد زن‌ها را و در وسط صف جماعت ایستاد (شافعی، بی‌تا: ۱۶۴/۱).

- در روایت دیگر از عایشه نقل شده است که نماز عصر را با زن‌ها با جماعت خواند و در وسط صف جماعت زن‌ها ایستاد: «روی الیث عن عطاء عن عائشه أنّها صلّت بنسوه العصر فقامت فی وسطهن» (همان).

- شافعی از علی بن حسین نقل می‌کند که آن حضرت در ماه رمضان به کنیز خود دستور دادند تا با همسر آن حضرت نماز را به جماعت بخوانند. همچنین از صفوان بن سلیم نقل می‌کند که اقتدای زن به زن در نماز سنت است و نحوه آن به این صورت است که در وسط صف بایستد (همان).

أبو طیب محمد شمس می‌نویسد:

نظر درست این است که پس از مراجعه به روایات، امامت زن برای زن در نمازهای واجب و مستحب، استحباب دارد و این نظر درست است و به این نظر شافعی، اوزاعی، ثوری، احمد، ابوحنیفه و گروه دیگر فتوا داده‌اند. (سبکی، ۱۴۰۱: ۴۵/۱).

البته تعبیر نویسندگان مذاهب اهل سنت از دیدگاه احناف درباره اقتدای زن به زن متفاوت است؛ برخی مکروه تحریمی و برخی مکروه بدون تحریم را نقل کرده‌اند و برخی مثل ابوطیب فتوای به استحباب را ذکر کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

از بررسی نوشته‌های مذاهب اهل سنت استفاده می‌شود که در اقتدای زن به زن چهار نظر دارند:

الف. جواز اقتدا به معنای استحباب اقتدای زن به زن.

ب. جواز اقتدا اما همراه با کراهت.

ج. تفصیل بین نمازهای واجب و مستحب.

د. عدم جواز اقتدا.

ولی مشهور علمای مذاهب اهل سنت قائل به جواز اقتدای زن به زن هستند.

همچنین از مجموع روایات شیعه و گفتار فقهای امامیه استفاده شد که در مسئله اقتدای زن به زن اختلاف نظر وجود دارد، ولی مشهور فقها فتوای به جواز داده‌اند. نگارنده معتقد است در صورت وجود شرایط برای زن و نبود مرد، بهتر این است که با توجه به روایاتی که در اهمیت نماز جماعت و آثار آن آمده و نیز روایات خاصی که درباره امامت زن برای زن ذکر شده، نماز را به جماعت بخوانند.

پی‌نوشت

۱. از نظر حنفی‌ها کراهت بر دو قسم است: کراهت تنزیهی که انجام آن گناهی ندارد و بهتر ترک است و کراهت تحریمی که انجام دادن آن گناه است. سایر مذاهب، از جمله امامیه، این تقسیم‌بندی را قبول ندارند و کراهت را به معنای نخست می‌دانند.

منابع

قرآن کریم.

ابن عابدین شامی (۱۴۲۸). رد المحتار علی الدر المختار علی شرح الشیخ علاء الدین الحصکفی، ج ۱، تحقیق: عبدالمجید طعمه حلبی، بیروت: دار المعرفة.

ابن قدامه (۱۴۰۴). المغنی و الشرح الکبیر علی متن المقنع، ج ۲، بیروت: دار الفکر.

- ابن رشد (محمد بن احمد بن محمد بن رشد القرطبي) (١٣٩٥). *بداية المجتهد ونهاية المقتصد*، مصر: مطبعة المصطفى.
- اردبيلي، احمد (١٤٠٣). *مجمع الفوائد والبرهان في شرح ارشاد الازهان*، ج ٢، جامعة المدرسين.
- اصفهانى الراغب (بى تا). *المفردات*، تحقيق: محمد سيد گيلاني، بيروت: دار المعرفة.
- بحراني، يوسف (١٤٠٥). *حدائق الناضرة*، ج ١٤، دار الاضواء.
- بيهقي، ابوبكر احمد بن الحسين بن علي (١٤٢٤). *السنن الكبرى*، ج ٤، بى جا: بى نا.
- جمعي از نويسندگان (١٤٠٤). *الموسوعة الفقهية*، وزاره الاوقاف الكويت.
- حر عاملى (١٤٠٣). *وسائل الشيعه*، ج ٥، تحقيق: عبدالرحيم الرباني الشيرازي، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- حلبى، نجاح (بى تا). *فقه العبادات* (حنبلى)، ج ١.
- خويى، ابوالقاسم (١٣٧٠). *مستند العروه الوثقى*، ج ٤، مدرسه دار العلم.
- زحيلي، وهبة (١٤٣١). *موسوعة الفقه الاسلامى*، ج ٢، دار الفكر.
- سالم العمرانى الشافعى، يحيى بن ابى الخير (بى تا). *البيان فى مذهب الشافعى*، ج ٢، دار المنهاج.
- سبكي، محمود محمد خطاب (١٤٠١). *الدين الخالص او ارشاد الخلق الى دين الحق*، ج ١، عنى بتحقيقه و تنسيقه امين محمود خطاب.
- شافعى، محمد بن ادريس (بى تا). *لام*، ج ١، بيروت: دار المعرفة.
- طوسى (ابوجعفر)، محمد بن الحسن بن علي (بى تا). *تهذيب الاحكام*، ج ٣، صححه: على اكبر غفارى، مكتبة الصدوق.
- طوسى (ابوجعفر)، محمد بن حسن (١٣٧٥). *الاستبصار*، مطبعة النجف.
- عميد (١٣٨٩). *فرهنگ عميد*، چاپ اول، انتشارات اشجع.
- قمى، ميرزا ابوالقاسم (١٤١٨). *غنائم الايام*، ج ٣، مركز نشر، مكتب الاعلام الاسلامى.
- مجلسى، محمدتقى (١٤٠٦ الف). *روضه المتقين*، ج ٢، قم.
- مجلسى، محمدتقى (١٤٠٦ ب). *ملاذ الاخبار فى فهم تهذيب الاخبار*، ج ٥، قم.
- المحقق الحلى، نجم الدين جعفر بن الحسن (١٣٦٤). *المعتبر*، ج ١، مؤسسه سيد الشهداء.
- مرواريد، على اصغر (١٤١٠). *سلسلة النبايع الفقهية*، كتاب الصلوة، ج ٢، الدار الاسلامية.
- موسوى خمينى، روح الله (١٤٠٦). *تحرير الوسيلة*، ج ١، چاپ مؤسسه النشر الاسلامى.
- موسوى، محمد بن حسين (سيد رضى) (١٤١٤). *نهج البلاغه*، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- نجفى، محمد حسن (بى تا). *جواهر الكلام*، ج ١٣، دار احياء التراث العربى.
- نظام الدين و جماعه من العلماء (١٤٢٣). *الفتاوى الهندية*، ج ١، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- نورى، ميرزا حسين (١٤٠٨). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ١، تحقيق: مؤسسه آل البيت، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- يزدى، محمد كاظم (١٣٥٨). *العروه الوثقى*، ج ١، المكتبة العلميه الاسلاميه.